



۲۰۱۵/۱۱/۱۲



حمید انوری

سر انسان، ارزان تر از قرص نان

اینجا افغانستان است



اینجا افغانستان است، سرزمینی که دیرباریست سر انسان، ارزان تر از قرص نان است. از امروز و آن ساعت که کودتاچیان هفتم ثوری در تپانی با اربابان روسی خود خون خلاق در جام کردند، از آن نخستین دقایق کودتای خونین هفتم ثور ۱۳۵۷ که جوی هائی از خون مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان را در هر کوی و برزن جاری ساختند و سرهای نازنینی را بی محابا از تن ها جدا کردند و تیرباران کردن ها و زنده به گور کردن های هموطنان آزاده ما از مشغولیت های روزمره جنایتکاران هفتم ثوری گردید، سر انسان، ارزان تر از قرص نان شد...

چرخ خونریز جرم و جنایت و وحشت و بربریت همچنان گشت و گشت و گشت تا نوبت به تجاوز عریان بی آرمان روسی بر سرزمین آزاده و باستانی ما رسید، مرحله نوین کودتای ثور آغاز شد.

جنایت و خونریزی به اوج خود رسید و سر انسان دگر ارزان تر از پر کاه شد و چنان بود که سر های افراشته بیشتر از یک و نیم میلیون هموطنان دلیر و تسلیم ناپذیر ما بر باد داده شد و کشور به یک ویرانه تمام عیار و غم انگیزی مبدل گردید.

بعد ها کودتاچیان هشتم ثوری در تنبانی با رفقای هفتم ثوری خود چنان وحشتی را براه انداختند که زبان از گفتن و قلم از نوشتن آن عار دارد...، سر انسان اما دگر مفت و مجانی بود. این کافر بود و آن مسلمان، این سنی بود و آن شیعه، این پشتو زبان بود و آن دیگری فارسی زبان، این جمعیت اسلامی بود و آن حزب اسلامی، این از بامیان بود و آن از کنر و...، رقص مرده و رقص زنده و میخ به سر کوبیدن ها "خوش گذرانی" برای نو به دولت رسیده های بی همه چیز تنظیمی و ملیشه های خونریز و جنایتگستر بود.

بعد ها طالب بچه ها سر رسیدند و دست و پا بریدن ها و سنگسار کردن ها آغاز شد، اینبار دگر به ریش و بروت و درازی و کوتاهی تنبان هم چسپیدند و حتی به صدای کفش های خواهران ما نیز قید و قیود وضع کردند و شلاق بود و دره، سنگسار بود و اعدام در ملاء عام و باز هم سر های نازنین بیشماری برباد رفتند و این چرخ ظلم و شقاوت و جنایت و بربریت همچنان در چرخش بود و توقفی در دیدرس نبود که نبود...

اگر گردش این چرخ وحشتبار جرم و جنایت را در کشور آزاده خود دنبال کنیم، "آب بحر کافی نیست که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم".

و اما برگردیم به بریدن سرهای نازنین هفت هموطن بی گناه و بی دفاع و مظلوم ما در غزنی به دستان کثیف و خون آلود و جنایت گستر یک باند وحشی، سنگ دل و قصی القلب که دل هر انسانی را سخت به درد می آورد و به هرچه تروریست با هر نام و اسم و رسمی ایکه از هر گوشه و بیشه ای سر می کشند و مرگ می آفرینند، نفرین باید فرستاد و تا سر های بی مقدار این جنایت پیشگان بر بالای دار ها نرفته است، هرگز نباید خاموش گردید.

هیچ وعده و وعید سر خرمن را نباید پذیرفت و هرگز هم نباید گذاشت تا این جنایت عظیم فراموش گردد و خون های پاک این هموطنان مظلوم و نازنین ما هدر رود.

ولی و اما و مگر! باید خیلی ها هوشیار و بیدار بود و دشمنان رنگارنگ داخلی و خارجی مردم و میهن خود را به هیچ وجه نباید گذاشت تا بر روال همیشگی و قرار قبلی به اهداف کثیف و شوم شان که همانا ایجاد تفرقه بین ملت یکپارچه ما است، برسند و از این آب گل آلود، ماهی مطلوب خود را که همانا تفرقه اندازی است، صید کنند.

شهادی پاک این جنایت شوم به تمام ملت افغانستان تعلق دارند و همه ملت در این غم عظیم شریک اند، فارغ از هرگونه تبعیض قومی و قبیلوی و...، و این اصل انکار ناپذیر را باشندگان دلیر کابل به گونه شایسته ای دیروز (چهارشنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵) به نمایش گذاشتند و یک

صدا و یک گام به جهانیان و خاصاً دشمنان قسم خورده افغان و افغانستان نشان دادند که همه یک ملت و یک پارچه هستیم و شهید غزنی، شهید کابل و بلخ و تخار است، شهید پکتیا و پکتیکا و با میان و غوروات است، شهید همه ملت شریف افغان است.



این است نمونه از وحدت و اتحاد مردم افغانستان و این است مظهر اراده آهنین یک ملت بیائید به عکس خواهرک شهید ما شکریه نامراد و جنازه های مسافرین همراه او نظری بیندازیم که به صورت وحشتناکی گلو بریده شدند و گل های امید شان پرپر گردید.



این مسافرین مظلوم هیچ گناهی نداشتند و هیچ ارتباطی با مقامات دولتی و نیرو های خارجی نداشتند، این طفل معصوم، این فرشته پاک، این "شکریه" نامراد هیچ جرمی را هرگز مرتکب نشده بود، او یک کودک پاک و معصوم بود که به دستان کثیف و خون آلود یک مشت تروریست دد صفت و بی پدر و مادر، گلو بریده شد. او در آن زمان که وحشی صفتان بی آرم گلوی نازکش را زیر تیغ شقاوت خویش از تن نازنینش جدا می کردند، به چه می اندیشیده است؟!

به قساوت بشر؟ به خونریزی و ددمنشی انسان؟ یا به مرگ انسانیت و وجدان، و یا هم به پدر و مادر دیده به در و حیران، و یا هم به خواهر و برادر گریان؟ یا به بهار زندگی اش که چگونه در یک لحظه شوم تبدیل می شد به خزان؟!

واقعاً هم که امروزه روز سر انسان در سر زمین ویران ما، ارزان تر از یک قرص نان است، هر روز سر بریدن ها و سنگسار ها، هر روز بم و باروت، هر روز انفجار و انتحار، هر روز خون و خاکستر، هر روز مرگ و ناله و فغان و واویلا، هر روز جنازه و فاتحه، در این مرز و بوم هر روز عزای ملی است...

هموطن! این تابوت ها، حاوی اجساد مطهر خواهران و برادران شهید ماست که به صورت بسیار وحشتناک گلو بریده شده اند. آنگاه که انسان ها را زنده زنده گلو می برند، به یقین آخر زمان نشده است، بلکه مرگ انسانیت است و باید فاتحه انسان و انسانیت را خواند.

بیانید هموطنان تا دست به دست هم دهیم و نگذاریم که دشمنان و پادوان داخلی شان ما را به اقوام و قبایل پارچه پارچه کنند، بیانید به صورت یکپارچه و متحد، دست به دست هم دهیم و این دشمنان انسانیت را به کمک هم از سرزمین آبائی خود برویم و انتقام شهیدان خود را خود بگیریم که از این حکومت هرگز نمی توان منتظر خیری بود و یا اجرای عدالتی را



توقع داشت. بقای ما در همبستگی و اتحاد سرتاسری ماست و همین اصل شریف است که دشمنان رنگارنگ ما را به لرزه می اندازد.



ننگ و نفرین ابدی بر هرچه جانی و جنایتکار و تروریست و طالب و داعش و جنگ سالار و جنگ آور است. ننگ و نفرین بر آنانی که منافع ملی را با دو توت معاوضه می کنند و با ایجاد تفرقه بین ملت واحد افغانستان، آب بر آسیاب دشمن می ریزند.

درود و دعا بر روح پر فتوح شهیدان غزنی و زابل و تمام شهیدان به خون خفته ما.

ما همه در غم و اندوه و در ماتم و درد همدیگر شریک هستیم، همه از یک سرزمین هستیم و افغانستان خانه مشترک همه ما است.

بگذارید که احمد و محمود جهت حفظ منافع شخصی و گروهی شان، چرند بگویند و به حرکت خودجوش و مردمی ما تاپه های رنگارنگ بزنند...

این گردهم آئی اعتراضی هرگز مختص به یک قوم و قبیله نبوده، بلکه به تمام ملت با شهامت افغان تعلق دارد و همه با چشم و سر مشاهده کردند که تمام اقوام شریف افغانستان به صورت یکپارچه در کنار هم قرار گرفتند و این یک آغاز خوب جهت اتحاد و باهمی ماست.

نگذارید دشمنان زیون در این صف واحد تان کوچکترین رخنه ایجاد کنند، اگر یک شاخه از این درخت تنومند را شکستند، یقین داشته باشید که به زودی درخت را نیز از بیخ و ریشه خواهند کشید.

در ختم این مختصر جهت غلط کردن یک لحظه این غم بزرگ و همگانی، به این لینک فشار دهید.

[من نه تاجکم نه پشتون، نه هزاره نه ز ترکم](#)

